



Social Mobility and the Right to Equality of Opportunity in Afghanistan

Qasem Ali Sadaqat*

Abstract

The right to equality of opportunity is a procedural right that, in its conceptualization, possesses a clear indicator: social mobility. In a society where various forms of social mobility exist, such mobility serves as a positive sign of equality of opportunity. Conversely, weak social mobility reflects discrimination and the hereditary nature of social, cultural, economic, and political positions. The scope of social mobility is broad and encompasses inclusive institutions, education, healthcare, access to appropriate employment and income, fair wages, job opportunities, social security, and access to technology. The greater the degree of social mobility, the stronger the equality of opportunity and the weaker the inherited inequalities—forming a positive cycle. However, the more entrenched the inherited inequalities, the lower the social mobility and, consequently, the weaker the equality of opportunity.

In Afghanistan, social mobility has not reached a desirable or ideal level; therefore, achieving justice still requires equitable distribution of resources and opportunities. This study, employing inductive and analytical reasoning and relying on library-based data, examines and explains the relationship between the right to equality of opportunity and social mobility. Moreover, when assessing different societies and groups in terms of social mobility and equality of opportunity, careful attention must be paid to their characteristics, as these features can help identify the indicators and manifestations of social mobility and equality of opportunity.

Keywords: social mobility, right, equality of opportunity, resources, substantive and formal equality, discrimination

* Academic Staff Member, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Khatam al-Nabieen (PBUH) University. Email: sadaqat1345@yahoo.com.



تحرك اجتماعى و حق بر برابرى فرصت در افغانستان

قاسم على صداقت*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۹

چکیده

حق بر برابری فرصت از حقوق رویه‌ای است که در برداشتی شناسه مشخص (تحرك اجتماعى) دارد. در جامعه‌ای که تحرك اجتماعى در انواع مختلف آن وجود داشته باشد، شاخص و نشانه مثبت از برابری فرصت است. اما ضعف تحرك اجتماعى حاکی از تبعیض و موروثی بودن موقعیت‌های مختلف اجتماعى، فرهنگی، اقتصادى و سیاسى است. دامنه تحرك اجتماعى وسیع و گسترده است که شامل نهادهای فراگیر، آموزش، صحت، دسترسی به مشاغل و درآمد مناسب، مزد مناسب، فرصت کارى، تأمین اجتماعى و دسترسی به تکنولوژی است. هر مقدار تحرك اجتماعى بیشتر باشد، برابری فرصت بیشتر است و نابرابری‌های موروثی کمتر است که چرخه مثبت است. اما هر مقدار نابرابری‌های موروثی بیشتر باشد، تحرك اجتماعى کمتر و در نتیجه برابری فرصت کمتر است. در افغانستان تحرك اجتماعى به میزان مطلوب و ایدئال نیست و در نتیجه هنوز برای رسیدن به عدالت نیازمند در توزیع امکانات و فرصت‌هاست. در این تحقیق با عنایت به موضوعات یادشده، رابطه حق بر برابری فرصت و تحرك اجتماعى با شیوه استقرائى و برهانی با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای با هدف تحلیل و تبیین رابطه یادشده تحلیل و ارزیابی شده است. از طرفی به نسبت جوامع و گروه‌های مختلف با تحرك اجتماعى و برابری فرصت، به مثابه شیوه کشف علائم و نشانه‌های تحرك اجتماعى باید دقت شود؛ بدان معناکه ویژگی و خصوصیات گروه-ها و جوامع مختلف می‌تواند به شناسایی تحرك اجتماعى و برابری فرصت‌ها کمک نماید.

واژگان کلیدی: تحرك اجتماعى، حق، برابری فرصت، امکانات، برابری ماهوی و شکلی و تبعیض.

* کادر علمى دیپارتمنت حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسى، پوهنتون خاتم النبیین (ص)

حق برابری فرصت از حقوق مسلم شهروندان یک کشور است که فرصت‌ها باید به‌صورت برابر در اختیار همگان قرار داشته باشد. نقطه مقابل برابری فرصت تبعیض در فرصت و عدم دسترسی به فرصت به‌صورت برابر است. حق بر برابری فرصت از حقوق رویه‌ای است و تضمین‌کننده حقوق ماهوی است. این موضوع در دامنه حق الناس و حقوق بشر قرار دارد و با عدالت ارتباط تنگاتنگ دارد. تحرک اجتماعی عبارت از جابه‌جایی افراد و گروه‌ها در پایگاه‌های اجتماعی، مشاغل و موقعیت‌هاست. پایگاه‌ها و موقعیت‌ها در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و امثال آنها قرار دارد. تحرک اجتماعی یک پدیده فرا رشته‌ای است. از طرفی در این تحقیق براساس تحرک اجتماعی وضعیت برابری فرصت از نظر بود و نبود و کم‌رنگ و پررنگ بودن آن بررسی و تعیین خواهد شد و از راهکارهای بهبود و تضمین حق بر برابری بحثی نخواهد شد.

تحرک اجتماعی از زوایای مختلف ممکن است که ارتباط با برابری فرصت داشته باشد و چه بسا این ارتباط دو سویه نیز باشد. از جمله گفته شده که پویایی اجتماعی که شاخص برای حق بر برابری فرصت است. میان بالا و پایین بودن تحرک اجتماعی و مطلوب و نامطلوب بودن برابری فرصت ارتباط مثبت و تنگاتنگ است و باید این ارتباط به‌صورت تفصیلی مشخص و هویدا شود. از این جهت نیاز به بررسی دارد تا وضعیت حق برابری فرصت از منظر مثبت و منفی بودن از جمله در افغانستان مشخص شود. انواع آن نیز که هر کدام می‌تواند حاکی از برابری فرصت باشد، نیاز به بررسی دارد. ماهیت هر یک از انواع نیاز به شناخت دارد تا وضعیت حق بر برابری فرصت (از نظر بود و نبود قوی و ضعیف بودن) در کل و از جمله در افغانستان معین شود. ازسوی دیگر، وضعیت تحرک پویایی اجتماعی در افغانستان باید مورد توجه قرار گیرد و مشخص شود. ازاین‌رو، باید بحث کرد که تحرک اجتماعی چگونه مشخص می‌کند که در یک جامعه برابری فرصت وجود دارد یا خیر و از طرفی با این شاخص وضعیت حق بر برابری فرصت در افغانستان نیازمند تعیین و تثبیت دارد تا در گام بعدی اقداماتی انجام شود که حق بر برابری فرصت ارتقا و بهبود یابد.

عدم دسترسی به عناصر اصلی و ارکان تحرک به نظر می‌رسید که بر برابری فرصت آسیب جدی وارد می‌کند و از طرفی برابری فرصت خود بر بهبود شاخص تحرک اجتماعی و ارکان تأثیر مثبت دارد. میان ارکان تحرک اجتماعی و وجود برابری فرصت نیز رابطه متقابل و دو





جانبه وجود دارد. در هر جامعه‌ای که تحرک اجتماعی پایین باشد، دسترسی برابر به حق‌های ماهوی و زیرساخت‌های نرم پایین خواهد بود. به‌هر حال موارد یادشده ادعاهایی است که در این نوشتار نیازمند اثبات و استدلال است.

اهمیت و ضرورت این تحقیق ناشی از تضمین برابری فرصت ناشی می‌شود. هر جامعه سیاسی نیاز اساسی به تضمین برابری فرصت به‌عنوان حقی رویه‌ای دارد و از این جهت براساس شاخص تحرک اجتماعی وضعیت مثبت و منفی بودن حق برابری فرصت و عدالت مشخص شود. هدف این تحقیق بررسی و تحلیل ماهیت تحرک اجتماعی، انواع و چگونگی شاخص بودن آن برای حق برابری فرصت است. همچنین تشخیص بود و نبود برابری فرصت و قوی و ضعیف بودن آن در افغانستان است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و همین طور استقرائی و قیاسی است؛ بدان معناکه برای اثبات ادعاها و هم روش استقرائی و هم استدلال و روش‌های عقلی به کار گرفته خواهد شد. با عنایت به جستجوی انجام شده، در افغانستان در زمینه تحرک اجتماعی به‌عنوان شاخص برابری فرصت تحقیقی صورت نگرفته تا معین شود که برابری فرصت در افغانستان بر اساس این شاخص از نظر مطلوب بودن و نبودن معین شود.

الف) ماهیت تحرک اجتماعی و حق برابری فرصت

۱. تحرک اجتماعی به پیوند بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی یک فرد (مانند شغل، طبقه اجتماعی یا درآمد) و وضعیت اقتصادی-اجتماعی والدین او اشاره دارد. زمانی که این پیوند قوی باشد، سطح تحرک اجتماعی پایین‌تر است. زمانی که این پیوند ضعیف باشد، سطح تحرک اجتماعی بالاتر است. هدف تحرک اجتماعی، شکستن این پیوند است (Lillywhite, 2022, p.4). تحرک اجتماعی به معنای جابه‌جایی افراد و گروه در جایگاه اجتماعی و سلسله‌مراتب مشاغل و درآمدهاست. یا به حرکت افراد از یک منزلت اجتماعی به منزلت اجتماعی دیگر گفته می‌شود. اصطلاح تحرک اجتماعی را به حرکت افراد و گروه‌ها بین موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی مختلف اطلاق کرده است (گیدنز، ۱۳۷۴، ص ۲۴۴).

به‌هر روی، می‌توان اذعان کرد که تأکید همه تعاریف از مفهوم «تحرک اجتماعی» حرکت افراد و گروه‌ها از منزلتی به منزلت دیگر و دستیابی آنان به شرایط و موقعیت و نقش‌های دیگر است (تنکابنی، ۱۳۹۲، ص ۳). جامعه‌شناسان بیشتر درصدد شناخت سلسله‌مراتب یا نزدیکی از پایگاه‌های اجتماعی هستند که افراد بر روی آن بالا و پایین می‌روند. موقعیت هر

فرد در این نردبان طبقه یا پایگاه از طریق عوامل زیادی تعیین می‌شود. میزان تحصیلات، جنسیت، نژاد و قومیت، حجم خانواده، شغل پدر، حق تقدم فرزندان، ازدواج، و چشم‌پوشی از مزایای حال به‌خاطر تضمین آینده، برنامه‌های دولتی و اصل و نسب خانوادگی از جمله این عوامل اند.

۲. حق برابری فرصت

مقصود از برابری فرصت، دسترسی به امکانات و فرصت‌های مختلف است که برای همگان فراهم باشد و عوامل خارج از اختیار انسانی نباید مانع از دسترسی شود؛ همانند قوم، نژاد، مذهب، زبان، منطقه، نیاکان، باور سیاسی و امثال آن. برای دسترسی به امکانات مختلف نباید موانع قانونی و دیگر محدودیت‌ها وجود داشته باشد. ازسوی دیگر، برای توزیع امکانات و فرصت‌ها نیز نباید تبعیض باشد؛ یعنی بنا بر عوامل ناموجه نباید افراد و گروه‌ها از امکانات مختلف محروم شوند. به عبارت دوم، برابری فرصت به این معناست که با همه افراد به‌طور عادلانه رفتار شود و صرف‌نظر از شرایطی که خارج از کنترل آنهاست، شانس برابر برای موفقیت در زندگی داشته باشند (OECD, 2022, p. 8).

منظور از «حق» برابری فرصت، «حق - آزادی» نیست که مطالبه را در پی نداشته باشد؛ بلکه از حقوق رویه‌ای است که در دامنه «حق - ادعا» قرار دارد و دولت مخاطب مستقیم آن است که ایفای تعهد آن با صرف نبود مانع و محدودیت دولتی حاصل نخواهد شد؛ بلکه دولت اقدامات معین برای تضمین آن باید انجام دهد؛ به‌ویژه در کشوری که حق برابری فرصت در عرصه‌های مختلف از جمله در برنامه‌ریزی کلان دولت با عنوان برنامه‌ریزی فضایی نقض شده باشد.

به‌دیگرسخن، لازمه حق - ادعا بودن حق برابری فرصت، وجود متعهد و مکلف در تضمین این حق است که خود تضمین‌کننده حق‌های ماهوی است. ازاین‌رو، مطالباتی را در گام نخست و بالذات متوجه دولت می‌کند به‌عنوان مکلف اصلی و سپس در گام بعدی و بالعرض متوجه شهروندان خواهد کرد (سیدفاطمی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۴ و ۲۰۵). ازطرفی حق برابری فرصت از حق‌های رویه‌ای تضمیناتی است که تضمین‌کننده حقوق ماهوی است (همان، ص ۲۰۳). بدون برابری فرصت در امکانات، سایر حقوق (ماهوی) در معرض آسیب و خطر قرار می‌گیرد.





حق برابری فرصت از مصادیق حق‌های بنیادین درواقع، حق - ادعای مسلط و حاکم است که قابل سلب و نقض نیست؛ زیرا روی دیگر آن منع تبعیض است که حق بر منع تبعیض بنا بر برداشتی مطلق بوده و در هیچ حالتی نباید نادیده گرفته شود. ازطرفی برابری فرصت که نقض شود، عدالت نیز پایمال می‌شود که ارزش‌های اخلاقی و اساسی در فرهنگ اسلامی و عرفی است. تبعیض و نابرابری فرصت چون عوامل ناموجه دارد، و در اختیار انسان نیست، غیرعقلایی و غیراخلاقی و درعین‌حال، مخالف کرامت ذاتی انسانی است. به‌هرروی حق برابری فرصت نباید نادیده گرفته شود که از حقوق بنیادین بشری است.

در مباحث مربوط به نابرابری نزد فیلسوفان و علوم اجتماعی، معمولاً بین دو نوع برابری تمایز قائل می‌شوند: «برابری در نتایج (یا وضعیت)» و «برابری فرصت‌ها». تفاوت میان آنها را می‌توان با یک مثال ساده نشان داد. فرض کنید من هزار دلار داشتم و آن را به‌طور مساوی بین همه افراد حاضر در این اتاق تقسیم کردم. در این صورت ما برابری در نتایج داشتیم؛ اما اگر به‌جای آن به هر کس یک بلیت لاتاری بدهم و سپس به‌طور تصادفی یک بلیت را بکشم و تمام هزار دلار را به دارنده آن بلیت بدهم، قطعاً برابری در نتایج وجود نخواهد داشت؛ اما برابری فرصت‌ها برقرار خواهد بود؛ زیرا هرکس یک بلیت داشت و بنابراین همه شانس یکسانی برای موفقیت داشتند.

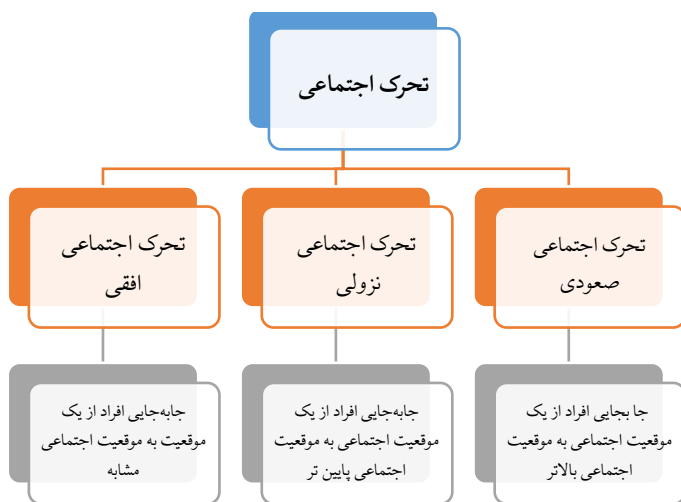
وقتی به مسئله توزیع پاداش‌ها در جامعه به‌طورکلی می‌پردازیم، درمی‌یابیم که مردم در جوامع توسعه‌یافته ترجیح قوی‌ای به برابری فرصت‌ها نسبت به برابری نتایج دارند. وقتی از آنها پرسیده می‌شود، اکثریت قاطع با گزاره‌ای مانند «منصفانه‌ترین روش توزیع ثروت و درآمد این است که به همه سهم‌های برابر داده شود» مخالف‌اند. اما وقتی گزاره «منصفانه است اگر برخی افراد پول یا ثروت بیشتری داشته باشند، اما تنها در صورتی که فرصت‌ها برابر باشد» مطرح می‌شود، افراد بسیار بیشتری با آن موافق‌اند تا مخالف. در بریتانیا، ایالات متحده و آلمان، بیش از ۷۰ درصد افراد موافق بیشتر از مخالف بودند (Marshall, Swift and Roberts, 1999, p. 246). در یک نظرسنجی در آمریکا^۱، وقتی از شرکت‌کنندگان پرسیده شد که «مهم‌تر است این کشور نابرابری را در آمریکا کاهش دهد یا اینکه اطمینان حاصل کند همه فرصت منصفانه‌ای برای بهبود وضعیت اقتصادی خود دارند؟»، ۷۱ درصد

¹ Opinion Poll on Economic Mobility and the American Dream, Pew Charitable Trust, 2009

طرفدار تضمین فرصت منصفانه برای همه بودند و در مقابل ۲۱ درصد که کاهش نابرابری را مهم تر می دانستند.

ب) انواع تحرک اجتماعی

تحرک اجتماعی انواع مختلف دارد که بر معیارهای مختلف قابل دسته بندی است. هریک از انواع شاخصی برای برابری فرصت است. از منظر زمانی به تحرک اجتماعی میان نسلی و درون نسلی دسته بندی شده است. هر گاه جابه جایی افراد را در مدت زمانی طولانی در موقعیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی صورت گرفته باشد، به آن تحرک اجتماعی میان نسلی گویند. هر گاه این مدت ده سال در نظر گرفته شود و بعد جابه جایی بررسی شود به آن میان درون نسلی گفته می شود. یا از منظر موقعیت و پایگاه از طبقات پایین اجتماعی، اقتصادی، شغلی و امثال آن به بالا، جابه جایی صورت گیرد به آن صعودی می گویند. هر گاه از بالا به پایین جابه جایی صورت گیرد به آن نزولی گویند. هر گاه از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر که هم سطح اند، به آن تحرک افقی گرفته می شود. این دسته بندی بیشتر در جامعه شناسی صورت گرفته و بعد در سایر علوم نیز از آن استفاده نموده اند.



نمودار ۱. انواع تحرک اجتماعی

ج) انواع برابری فرصت (برداشت)

۱. برابری شکلی

در برابری فرصت شکلی، رفتار برابر با همگان وجود داشته باشد، رویه‌ها، قوانین، طرزالعمل‌ها به صورت رسمی برابری امکانات را پذیرفته باشد. درعین حال، قوانین برای همگان عمومی و یکسان باشد. تبعیض‌های آشکار و رسمی در آن حذف شده است. دولت به وضع قانون در آن بسنده می‌کند و بیشتر حالت منفعل دارد و برای حمایت از گروه‌های ضعیف اقدامات مثبت را در راستای ایجاد برابری فرصت انجام نمی‌دهد. بدون توجه به خصوصیات فردی، برخورد یکسان با همه افراد وجود دارد. بین افراد محروم و ناتوان و افراد برخوردار و توانا فرق قائل نمی‌شود.

۲. برابری ماهوی

برابری ماهوی (یا برابری واقعی) به معنای برابری در نتایج است و بر این باور است که اگر همه انسان‌ها یکسان نیستند، نباید با آنها به صورت یکسان رفتار شود. اگر با همه افراد، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها و نابرابری‌های پیشین آنها، به یک شکل رفتار شود، آن برابری واقعی نخواهد بود. فرض کنید شش نفر وجود دارند: الف، ب، ج، د، هـ و ز در یک شهر زندگی می‌کند، (ب) در منطقه‌ای دورافتاده، (ج) فقیر است، (د) ثروتمند است، (هـ) از طبقه اجتماعی بالاتر است و (ز) متعلق به طبقه اجتماعی پایین‌تر. اگر با همه این شش نفر به طور یکسان رفتار شود، بدون در نظر گرفتن مشکلات و محرومیت‌های برخی از آنها، این رفتار عادلانه و برابر نخواهد بود. این نوع برابری تفاوت‌های میان افراد را می‌پذیرد، آنها را در گروه‌های مختلف دسته‌بندی می‌کند و برای گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر، حمایت‌ها و رفتار عادلانه لازم را فراهم می‌کند. برابری ماهوی، شکلی از برابری است که از به حاشیه رانده شدن افراد در عرصه‌های اصلی زندگی جلوگیری می‌کند و یکی از نیازهای اساسی هر جامعه به شمار می‌آید. (MANDAR, GOVINDRAO LATPATE, 2023, p.1746) در برابری فرصت ماهوی دولت باید فعال باشد و تا افراد محروم و به حاشیه رانده شده فرصت برابر با دیگران داشته باشند.

این مثال اهمیت برابری ماهوی را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که اگر در طبیعت تفاوت‌هایی میان افراد وجود دارد، باید رویکرد برابری ماهوی را پذیرفت و از «تبعیض مثبت» به منظور رفاه جامعه انسانی حمایت کرد. پیداست که مفهوم برابری ماهوی رویکردی فعال و



پیش‌برنده نسبت به تحقق برابری دارد و در نهایت، به نتایجی مؤثرتر و عادلانه‌تر منجر می‌شود. بنابراین، با اطمینان نتیجه‌گیری می‌شود که باید تأکید بیشتری بر به‌کارگیری برابری ماهوی نسبت به برابری صوری وجود داشته باشد. این تغییر نگرش می‌تواند به پیشرفت‌های عمیق‌تر، مؤثرتر و معنادارتر در مسیر دستیابی به جامعه‌ای عادل و برابر بینجامد.

جدول ۱. مقایسه برابری فرصت ماهوی و شکلی

برابری فرصت ماهوی و شکلی	
برابری فرصت ماهوی (واقعی)	برابری فرصت شکلی (صوری)
فراهم‌سازی فرصت‌ها با در نظر گرفتن تفاوت‌ها و نابرابری‌های واقعی	برخورد یکسان با همه افراد بدون توجه به تفاوت‌های فردی
عدالت اجتماعی و اقعی	عدالت قانونی و صوری
جبران نابرابری‌های ساختاری و تاریخی	حذف تبعیض‌های آشکار و رسمی
نتیجه برابر برای همه	فرایند برابر برای همه
کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی	حفظ بی‌طرفی و جلوگیری از تبعیض مستقیم
احتمال ایجاد تبعیض معکوس یا نارضایتی در گروه‌های دیگر	نادیده گرفتن تفاوت‌های واقعی و زمینه‌های اجتماعی
سیاست‌های تبعیض مثبت، حمایت‌های هدفمند	قوانین عمومی و یکسان برای همه
اقدامات مثبت و مداخله مستقیم دولت	عدم مداخله مستقیم دولت و منفعل بودن آن
تحقق عدالت ساختاری؛ فرصت برابر برای همه	تثبیت نابرابری‌ها؛ عدالت ظاهری بدون تحقق واقعی
وجود رقابت در راهیابی به موقعیت‌های مختلف	فقدان رقابت یا ضعیف بودن رقابت برای راهیابی به موقعیت‌های مختلف
غیرالزامی بودن رفتار برابر	رفتار برابر
وجود اقدام مثبت	فقدان اقدام مثبت

در کشورهایی همانند افغانستان که ثبات سیاسی ندارند، در گام نخست نیازمند برابری فرصت به شکلی است تا به تدریج بستر برابری فرصت ماهوی فراهم شود. مطلوب نهایی برابری فرصت و امکانات در برداشت ماهوی است؛ اما برابری فرصت در مفهوم شکلی هم نقطه عزیمت خوبی است.

رتبه‌بندی شاخص جهانی تحرک اجتماعی در سال ۲۰۲۰

جدول ۲. رتبه و امتیاز کشور در تحرک اجتماعی

رتبه	کشور	امتیاز	رتبه	کشور	امتیاز
1	Denmark	85.2	32	Slovak Republic	69.0
2	Norway	85.2	33	Israel	68.1
3	Finland	83.6	34	Italy	68.1
4	Sweden	83.6	35	Uruguay	67.4
5	Iceland	83.5	36	Croatia	67.1
6	Netherlands	82.7	37	Hungary	66.7
7	Switzerland	82.4	38	Kazakhstan	65.8
8	Belgium	82.1	39	Russian Federation	64.8
9	Austria	80.1	40	Bulgaria	64.7
10	Luxembourg	80.1	41	Serbia	63.8
11	Germany	79.8	42	Romania	63.1
12	France	78.8	43	Malaysia	62.0
13	Slovenia	76.7	44	Costa Rica	61.6
14	Canada	76.4	45	China	61.5
15	Japan	76.1	46	Ukraine	61.2
16	Australia	76.1	47	Chile	60.3
17	Malta	75.1	48	Greece	59.8
18	Ireland	75.0	49	Moldova	59.6
19	Czech Republic	75.0	50	Viet Nam	57.8
20	Singapore	74.7	51	Argentina	57.3
21	United Kingdom	74.6	52	Saudi Arabia	57.1
22	New Zealand	74.4	53	Georgia	55.6
23	Estonia	74.3	54	Albania	55.6
24	Portugal	73.5	55	Thailand	55.4
25	Korea. Rep.	72.0	57	Armenia	53.9
26	Lithuania	71.4	56	Ecuador	53.9
27	United States	70.5	58	Mexico	52.6
28	Spain	70.4	59	Sri Lanka	52.3
29	Cyprus	70.0	60	Brazil	52.1
30	Poland	69.4	61	Philippines	51.7
31	Latvia	69.1	62	Tunisia	51.7



63	Panama	51.4	73	Honduras	43.5
64	Turkey	51.3	74	Morocco	43.7
65	Colombia	50.3	75	Guatemala	43.5
66	Peru	49.9	76	India	42.7
67	Indonesia	49.3	77	South Africa	41.4
68	El Salvador	47.4	78	Bangladesh	40.2
69	Paraguay	46.8	79	Pakistan	36.7
70	Ghana	45.5	81	Cameroon	36.0
71	Egypt	44.8	80	Senegal	36.0
72	Lao PDR	43.8	82	Côte d'Ivoire	34.5

منبع: World Economic Forum, The Global Social Mobility Report, 2020, P. 9

در جدول ۲ در رتبه‌بندی جهانی افغانستان جزء ۸۲ کشور جهان نیست که پایین‌ترین امتیاز آن ۳۴ است. مفهوم عدم حضور در رتبه‌بندی جهانی بدان معناست که تحرک اجتماعی در افغانستان پایین است و در نتیجه برابری فرصت پایین است.

د) تحرک اجتماعی شاخص برابری فرصت / تأثیر منفی تحرک اجتماعی پایین بر برابری فرصت
از شاخص‌های مهم برابری فرصت تحرک اجتماعی است و در جامعه‌ای که تحرک اجتماعی نباشد و جابه‌جایی در موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و شغلی کم باشد، به همان میزان حق برابری فرصت وجود ندارد. در هر جامعه‌ای که تحرک اجتماعی پایین باشد و دسترسی به موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی، شغلی و سیاسی ثابت باشد و از انواع مختلف (صعودی، نزولی و افقی یا درون نسلی و میان نسلی) ضعیف و پایین باشد، حق برابری فرصت پایین است. در مجموع تحرک اجتماعی بالا در حوزه برابری‌های فرصت کارکردهای مثبت دارد؛ اما تحرک اجتماعی پایین کارکردهای منفی دارد.

باید اذعان نمود که تحرک اجتماعی به‌عنوان شاخص برابری فرصت، جابه‌جایی افراد در پایگاه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و شغلی به‌صورت عادی است، نه از طریق زور و اجبار و بدون شایستگی. تحرک اجتماعی زمانی مثبت است که جابه‌جایی به‌صورت عادی و بدون اجبار و زور باشد.





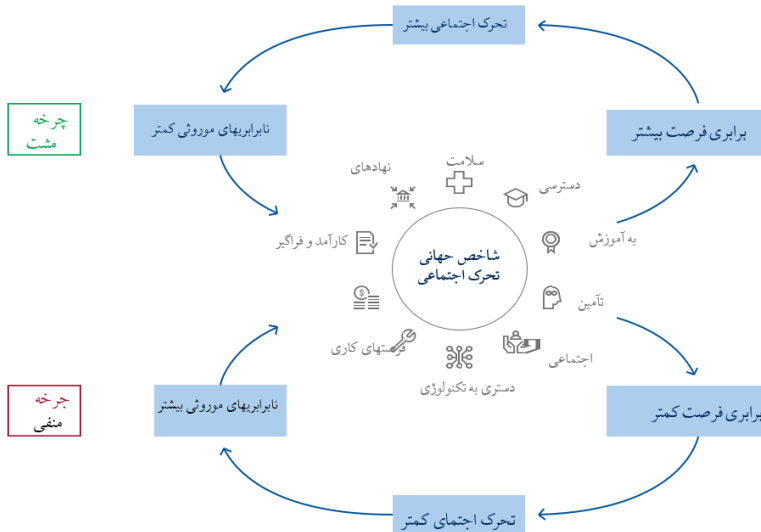
جدول ۳. مقایسه تحرک اجتماعی بالا و پایین بر محور شاخص‌های مهم

تحرک اجتماعی بالا و پایین بر محور شاخص‌های مهم		
شاخص‌ها	تحرک اجتماعی بالا	تحرک اجتماعی پایین
دسترسی به آموزش با کیفیت	همگان به آموزش برابر دسترسی دارند؛ پیشرفت براساس شایستگی	آموزش با کیفیت محدود به طبقات خاص؛ نابرابری در مهارت‌آموزی
فرصت‌های شغلی	فرصت‌های شغلی براساس توانایی و تلاش افراد توزیع می‌شود	مشاغل خوب در اختیار گروه‌های خاص؛ تبعیض در استخدام
پایگاه اجتماعی والدین	تأثیر کمتری بر موفقیت فرزندان دارد؛ مسیر پیشرفت مستقل‌تر است	پایگاه والدین تعیین‌کننده آینده فرزندان؛ انسداد مسیر پیشرفت
نظام‌گزینش و ارتقاء	مبتنی بر شایستگی، رقابت سالم و عدالت	مبتنی بر روابط، قوم و خویش‌گرایی یا انحصار طبقاتی
امید به آینده و انگیزه فردی	افراد از هر طبقه‌ای انگیزه دارند؛ امید به پیشرفت اجتماعی وجود دارد	افراد طبقات پایین دلسرد می‌شوند؛ احساس بی‌عدالتی و ناامیدی
انسجام اجتماعی	افزایش همبستگی و اعتماد عمومی؛ کاهش شکاف طبقاتی	افزایش نارضایتی، شکاف اجتماعی و احتمال بروز تنش‌های اجتماعی
عدالت اجتماعی	تحقق عدالت ساختاری؛ فرصت برابر برای همه	تثبیت نابرابری‌ها؛ عدالت ظاهری بدون تحقق واقعی

همان‌طورکه در بیشتر ستون‌ها دیده می‌شود تحرک اجتماعی بالا در حوزه برابری فرصت کارکرد و تأثیر مثبت دارد و تحرک اجتماعی پایین تأثیر و کارکرد منفی دارد. تحرک اجتماعی پایین هم علت و هم پیامد افزایش نابرابری‌هاست (شکل ۱) و پیامدهای نامطلوبی برای همبستگی اجتماعی و رشد فراگیر دارد. نابرابری فرصت‌ها و نابرابری نتایج به‌نظر می‌رسد که به‌صورت علی و دایره‌ای با هم مرتبط‌اند. کارشناسان برجسته در زمینه تحرک اجتماعی اشاره کرده‌اند که ماهیت دایره‌ای این رابطه پیامدهای گسترده‌ای برای نسل‌های آینده دارد.

هـ) چهارچوب نظری شاخص جهانی تحرک اجتماعی

براساس دیدگاه مجمع جهانی اقتصاد تحرک اجتماعی دارای ارکان معین است که با وجود آنها شاخص تحرک اجتماعی به صورت کامل وجود دارد و بدون آنها تحرک اجتماعی محقق نیست.



نمودار ۲. چرخه مثبت و منفی تحرک اجتماعی

منبع: World Economic Forum, The Global Social Mobility Report 2020, P. 14

میان تحرک اجتماعی و برابری فرصت رابطه تنگاتنگ وجود دارد و به هر میزان که تحرک اجتماعی کم باشد، برابری فرصت کمتر وجود دارد و نابرابریهای موروثی بیشتر است که خود یک چرخه منفی است که تأثیر و تأثر متقابل دارد. از سوی دیگر، تحرک اجتماعی بیشتر باشد، برابری فرصت بیشتر است و نابرابریهای موروثی کمتر خواهد شد. دسترسی به امکانات و فرصت‌ها خود بر تحرک اجتماعی تأثیرگذار است و باعث می‌شود که انسان طبقه اجتماعی، شغل و وضعیت اجتماعی خود را تغییر دهد. در افغانستان سه امر بستر و زمینه عدم تحرک اجتماعی و نابرابری فرصت را فراهم نموده است: هویت اجتماعی، موقعیت اجتماعی و وضعیت اجتماعی. براساس شکل (نشانگر چهارچوب نظری شاخص جهانی تحرک اجتماعی) هر مقدار دسترسی به زیرساخت‌های نرم، تحرک اجتماعی نباشد و بیشتر حالت موروثی داشته باشد، برابری فرصت بسیار پایین خواهد بود. بدان معنا که نابرابری‌ها حالت ارثی داشته باشد، حاکی از آن است تحرک اجتماعی وجود ندارد و نابرابری بیشتر وجود دارد.



نمودار ۳. شاخص های تحرک اجتماعی

منبع: World Economic Forum, The Global Social Mobility Report 2020, P.15

تمامی موارد یاشده از نظر مجمع جهانی اقتصاد و حقوق حق دسترسی به زیرساخت های نرم قرار دارد. ستون سلامت توانایی کشورها در ارائه خدمات بهداشتی با کیفیت بالا به جمعیت خود را اندازه گیری می کند. دسترسی به مراقبت های بهداشتی با کیفیت، عاملی حیاتی است که تأثیر مادام العمر بر توانایی افراد برای تجربه تحرک اجتماعی دارد. عوامل تعیین کننده سلامت در طول چرخه زندگی فرد، از سال های اولیه آغاز می شوند؛ اما می توانند پیامدهایی بلندمدت داشته باشند. در درون کشورها، دسترسی به خدمات بهداشتی می تواند بسیار متفاوت باشد و نابرابری های بهداشتی می توانند تأثیر مستقیمی بر توانایی افراد برای دسترسی به اشتغال داشته باشند.

این سه ستون یعنی دسترسی به آموزش، کیفیت و برابری آموزشی، و یادگیری مادام العمر توانایی کشورها را در فراهم سازی دسترسی به آموزش و اطمینان از ارائه آموزش با کیفیت بالا در سراسر زندگی برای همه شهروندان، بدون توجه به پیشینه اقتصادی-اجتماعی آنها اندازه گیری می کنند. آموزش و راهبردهای توسعه سرمایه انسانی به طور سنتی از عوامل اصلی در ارتقای تحرک اجتماعی محسوب می شوند. توسعه و به کارگیری مادام العمر سرمایه انسانی، عنصری حیاتی برای رشد اقتصادی و فراگیری اجتماعی است. دولت ها باید در راهبردهای توسعه سرمایه انسانی مشارکت فعال داشته باشند؛ راهبردهایی که با هدف مقابله با مشکلات ساختاری متعدد طراحی شده اند؛ از جمله تأمین مالی ناکافی مدارس در مناطق محروم، کیفیت پایین آموزش،



نسبت بالای دانش آموز به معلم و موارد مشابه که در حال حاضر مانع از آن می شوند که کودکان با پیشینه های محروم بتوانند به ظرفیت آموزشی کامل خود دست یابند.

ستون دسترسی به فناوری، سطح دسترسی و پذیرش فناوری در میان جمعیت را اندازه گیری می کند. همان طور که در بخش قبلی اشاره شد، افزایش دسترسی به آموزش در طول زندگی برای ارتقاء تحرک اجتماعی بسیار مهم است؛ اما توانایی بهره برداری از این فرصت ها اغلب نابرابر است و می تواند نابرابری های تاریخی را تداوم بخشد. دسترسی به فناوری این پتانسیل را دارد که به عنوان یک عامل برابرکننده عمل کند؛ زیرا اطلاعات را بدون توجه به پیشینه اقتصادی-اجتماعی افراد در اختیار همه قرار می دهد. فناوری می تواند چنین تمایزاتی را نادیده بگیرد و دسترسی نامحدود به دانش را فراهم کند. ظهور آموزش برخط، موانع دسترسی به منابع یادگیری را کاهش داده است. در کنار ساختارهای رسمی آموزشی، یادگیری برخط نقش مهمی در فراهم سازی دسترسی به یادگیری مادام العمر ایفا می کند.

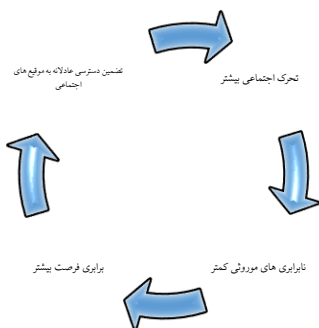
این سه ستون یعنی فرصت های شغلی، دستمزدهای منصفانه، و شرایط کاری توانایی اقتصادها را در فراهم سازی دسترسی به فرصت های شغلی، تضمین شرایط کاری مناسب، و ارائه دستمزدهای عادلانه به شهروندان، بدون توجه به سطح تحصیلات و پیشینه اقتصادی-اجتماعی آنها را مورد سنجش قرار می دهند.

نتایج مربوط به تحرک اجتماعی به شدت به آموزش وابسته اند؛ اما همچنین به عوامل بازار کار نیز ارتباط مستقیم دارند. مهارت ها باید به درآمد تبدیل شوند تا امکان تحرک درآمدی فراهم شود. این فرآیند تبدیل، نیازمند وجود عوامل مناسب در بازار کار است. برای مثال، در شماری از کشورهای آفریقا، خاورمیانه و آمریکای لاتین، تحرک درآمدی با سرعتی کمتر از تحرک آموزشی پیش رفته است که دلیل آن موانع موجود در بازار کار می باشد. این دو ستون-حمایت اجتماعی و نهادهای فراگیر-توانایی اقتصادها را در ارائه حمایت های اجتماعی، نهادهای فراگیر و خدمات عمومی کارآمد به جمعیت خود اندازه گیری می کنند.

شواهد نشان می دهد که نوسانات شغلی با تغییرات در نیازهای مهارتی رو به افزایش است و ممکن است دفعات تغییر شغل در طول زندگی حرفه ای افراد را بیشتر کند. سازوکارهای تاب آوری اجتماعی که در این ستون ها سنجیده می شوند، برای کمک به گذار از یک شغل به شغل دیگر بسیار حیاتی هستند. این سازوکارها شرایط را برای کسانی که درآمد قابل انعطاف بالایی دارند و کسانی که زندگی آنها ممکن است به شدت تحت تأثیر تغییرات قرار گیرد، برابر می کنند. چنین



سازوکارهایی تغییراتی را که افراد آسیب‌پذیرتر تجربه می‌کنند-به‌ویژه در دوران گذار اقتصادی که ممکن است با افت تحرک اجتماعی همراه باشد- تعدیل می‌کنند. حمایت اجتماعی در کنار نهادهای منصف و کارآمد می‌تواند اثرات منفی تغییرات شغلی بر زندگی افراد را کاهش دهد.



نمودار ۴. چرخه مثبت و منفی تحرک اجتماعی

۱) نسبت جوامع مختلف با تحرک اجتماعی و برابری فرصت

نوع جامعه و تعلق آن به دسته خاص می‌تواند شاخصی برای تحرک و اجتماعی و برابری فرصت باشد. بدین‌رو دسته‌بندی جوامع از زاویه‌های مختلف و شناخت برخی ویژگی‌های آن، می‌تواند به شناسایی شاخص تحرک اجتماعی و برابری فرصت و ارکان آن کمک کند. در نتیجه تعلق افغانستان به هر دسته، می‌تواند نشانه بود و نبود تحرک اجتماعی و برابری فرصت باشد.

۱. جامعه باز و جامعه بسته؛ تحرک اجتماعی و برابری فرصت

هر جامعه‌ای برای خود نوعی قشربندی اجتماعی دارد. در یک جامعه باز بی‌گمان نابرابری‌هایی وجود دارند؛ ولی افراد دست کم از امکان تحرک به یک طبقه اجتماعی بالاتر برخوردارند. باید یادآور شد که یک جامعه به‌راستی باز، یک نوع آرمانی است و تنها در نظریه وجود دارد. در یک نظام اجتماعی باز، افراد با نشان دادن دستاوردها و شایستگی‌هایشان از پایگاه منزلتی معینی برخوردار می‌شوند. اما در یک جامعه‌ای که از هر نظر بسته است، پایگاه منزلتی فرد از همان بدو تولد مشخص می‌شود و برای سراسر عمر ثابت باقی می‌ماند، بی‌آنکه تحرکی رو به بالا و یا به پایین را تجربه کند. همانند نظام آپارتاید آفریقای جنوبی که اکنون کم و بیش منسوخ شده است، بهترین نمونه یک نظام اجتماعی بسته است. در این نظام، سیاهان تنها به کارهای پست می‌پردازند و جدا از جمعیت سفیدپوست زندگی می‌کنند. سیاهان



آفریقای جنوبی در گذشته در یک نظام بسته طبقاتی به دنیا می‌آمدند و هیچ‌گونه امکانی برای تحرک به سطح بالاتر جامعه نداشتند.

افغانستان در دسته‌بندی کلان از جمله جامعه بسته به شمار می‌آید و میزان تحرک اجتماعی در آن پایین است و در نتیجه برابری فرصت به‌ویژه در بخش ماهوی بسیار نامطلوب و پایین است. جامعه به‌شدت سنتی بسیاری از مشاغل از طریق والدین به فرزندان منتقل می‌شود.

۲. جامعه طبقاتی و تحرک اجتماعی و برابری فرصت

به‌طورکلی، می‌توان گفت که طبقه اجتماعی عبارت است از گروه بسیار وسیعی که دربرگیرنده پایگاه‌های متعدد و مشابهی است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲). طبقه اجتماعی به بخشی از اعضای جامعه اطلاق می‌شود که از نظر ارزش‌های مشترک، حیثیت و فعالیت‌های اجتماعی، میزان ثروت تعلقات شخصی و نیز آداب و معاشرت از بخش‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشند (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۱۷۸). ابن خلدون می‌نویسد: افراد جامعه با دو ملاک جاه و ثروت به طبقاتی تقسیم می‌شوند و در یک سلسله مراتب طولی قرار می‌گیرند. او معتقد است که عده‌ای نان جاه خود را می‌خورند. کار اندک آنان به علاوه جاه فراوان، موجب تجمع و انبوه ثروت برای آنها می‌شود. درواقع، جاه ارزش کارها را افزایش می‌دهد (ابن خلدون، ۱۳۵۹، ص ۷۷۰). نقش جاه به قدری از نظر ابن خلدون حائز اهمیت است که شخص فاقد جاه به پایین‌ترین طبقه تنزل می‌یابد و بیش از سد جوع نمی‌تواند از ثروت بهره‌گیرد.

برابری فرصت در نقطه مقابل جامعه طبقاتی قرار دارد. در جامعه طبقاتی گماردن اشخاص در یک موقعیت از طریق تولد، ثابت است که در آن تحرک اجتماعی وجود ندارد. گاهی اطفال موقعیت اجتماعی را از طریق والدین خود به دست می‌آورند. تحرک اجتماعی در جامعه طبقاتی امکان‌پذیر است؛ اما فرآیندی که از طریق آن پذیرش در سطح مختلف سلسله‌مراتب مشاغل، تنها به روی برخی افراد گشوده است که از اوان تولد به یک طبقه اجتماعی خاص وابسته باشد. برعکس زمانی که برابری فرصت امر غالب باشد، گماشتن افراد در یک موقعیت در سلسله‌مراتب اجتماعی از طریق برخی انواع روندهای رقابتی مشخص خواهد شد و تمامی اعضای جامعه مجازند که در این رقابت با شرایط مساوی شرکت نمایند. در جامعه طبقاتی دسترسی به مشاغل و درآمد مبتنی بر رقابت و صلاحیت نیست؛ درحالی‌که در جامعه غیرطبقاتی عکس این قضیه صادق است (صداقت، ۱۴۰۲، ص ۱۱۵).



جدول ۴. تضاد برابری فرصت با جامعه طبقاتی

برابری فرصت  جامعه طبقاتی	
برابری فرصت	جامعه طبقاتی
کسب شغل و مقام بر اساس صلاحیت و شایستگی	کسب مقام از طریق تولد و توارث
کسب مقام از طریق رقابت	کسب موقعیت از طریق رانت
قومیت، مذهب، نژادی، زبان، نیاکان، باور سیاسی، منطقه با تأثیر کم بر کسب موقعیت	در کسب موقعیت قومیت، مذهب، نژاد، زبان، نیاکان، باور سیاسی، منطقه نقش اساسی دارد (عقلانیت قومی و تبعیض)
نابرابرهای موروثی کمتر	نابرابری های موروثی بیشتر

۳. مهاجرت داخلی و خارجی؛ تحرک اجتماعی

بین مهاجرت و تحرک اجتماعی رابطه پدیداری معناداری وجود دارد که در نهایت بر برابری فرصت تأثیرگذار است. مهاجرت وسیع و گسترده توانمندی‌هایی را در پی دارد که خود بستری برای تحرک اجتماعی فراهم می‌نماید. افزایش فرصت‌ها: مهاجرت به مناطق توسعه‌یافته‌تر می‌تواند دسترسی به آموزش، خدمات بهداشتی و شغل‌های بهتر را فراهم کند.

تغییر طبقه اجتماعی: مهاجران ممکن است از طریق کسب مهارت، تحصیلات یا سرمایه‌گذاری، جایگاه اجتماعی خود را بهبود بخشند.

در جامعه‌ای همانند افغانستان اگر تحرک اجتماعی و بالا و پایین رفتن از نردبان پایگاه و موقعیت اجتماعی دیده شود، بخش قابل توجه آن ناشی از مهاجرت در درون کشور یا بیرون از آن است؛ زیرا پیدایش تخصص، مهارت و تجربه که معلول مهاجرت است و بر تحرک اجتماعی تأثیرگذار است. به‌ویژه مهاجرت به کشورهای خارجی و کسب سه مورد یادشده موجب تحرک اجتماعی شده است. جنگ و درگیری در افغانستان قسمت عمده از مردم را ناچار به مهاجرت نمود و با توجه به ظرفیت‌های کشورهای مهاجرپذیر، دانش، مهارت و تجربه کسب نمایند و با بازگشت به کشور توانستند از نسبت به والدین از پایگاه اجتماعی بهتر برخوردار شوند. اکثر مردم افغانستان در نیم قرن قبل زراعت و مالداري داشتند و اما با مهاجرت آنان، فرزندان‌شان توانستند به مشاغلی بهتر دست یابند؛ گرچه والدین به دلیل سن بالا در کشورهای پیشرفته هم از حد کارگری خارج نشدند. آنچه بیان شد، در مورد تحرک اجتماعی داخل افغانستان است که از مهاجرت اثرپذیر است، اما تحرک اجتماعی مهاجران افغانی در



کشورهای خارجی به‌ویژه در کشورهای جهان سوم بسیار پایین است و در شغل‌های سخت و دشوار مشغول به کار هستند. این وضعیت در کشورهای پیشرفته نیز قابل مشاهده است که مهاجرین به دلیل فقدان تحصیلات، مهارت و تجربه کافی، پایگاه اجتماعی مناسب ندارند.

۴. جامعه چندپارچه؛ تحرک اجتماعی و برابری فرصت

در جامعه‌ای که دسترسی به امکانات و فرصت‌ها بر معیار قوم، مذهب، نژاد، زبان، نیاکان، تبار و هر گونه عوامل ناموجه باشد، تحرک اجتماعی در آن ضعیف است و فاقد مهم‌ترین شاخص برابری فرصت به‌ویژه در معنای ماهوی آن است.

شکاف‌های اجتماعی: در جامعه چندپارچه، شکاف‌های عمیقی بین گروه‌های مختلف وجود دارد. این شکاف‌ها می‌تواند شامل تفاوت در میزان درآمد، فرصت‌های تحصیلی، دسترسی به خدمات بهداشتی و سلامت و حتی تبعیض‌های اجتماعی باشد.

هویت‌های گروهی: افراد در این جوامع ممکن است هویت‌های گروهی قوی‌تری داشته باشند و این هویت‌ها، گاه باعث ایجاد «همدلی» درون‌گروهی و «بیگانگی» با گروه‌های دیگر می‌شود. عوامل تشدیدکننده: عوامل متعددی مانند نابرابری اقتصادی، تبعیض نژادی، مذهبی، و همچنین تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند به چندپارچگی جامعه دامن بزند.

تعصب متضمن داشتن عقاید از پیش تصور شده درباره فرد یا گروه است که اغلب بر مبنای شنیده‌هاست نه مدارک و شواهد مستقیم، عقایدی که حتی با وجود اطلاعات جدید، در برابر تغییر مقاوم‌اند. افراد ممکن است نسبت به گروهایی که خود را متعلق به آنها می‌دانند، تعصبات مثبت داشته باشند و نسبت به دیگران دارای تعصبات منفی باشند. کسی که علیه گروه خاصی تعصب دارد، از این امتناع می‌کند که بی‌طرفانه سخنان آنها را بشنود (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۲۸۱). تعصب از طریق کاربرد تفکر و تصورات قالبی عمل می‌کند (همان، ص ۲۸۱).



۵. رابطه تصورات قالبی با تحرک اجتماعی و تبعیض

در جامعه‌ای که تصورات قالبی^۱ وجود دارد، کمتر بستر برای تحرک اجتماعی و در نتیجه برابری فرصت فراهم است. چون تصورات قالبی پیامدهای ذیل را دارد که ناسازگار با تحرک اجتماعی و برابری فرصت است:

۱. ایجاد پیش‌داوری^۲: تصورات قالبی اغلب باعث شکل‌گیری نگرش‌های منفی یا مثبت نادرست نسبت به افراد می‌شود. این پیش‌داوری‌ها می‌توانند به تبعیض در رفتار منجر شوند؛
 ۲. تثبیت نابرابری اجتماعی: کلیشه‌ها می‌توانند نابرابری‌های موجود را توجیه کنند. مثلاً اگر تصور شود که زنان برای رهبری مناسب نیستند، ممکن است از ارتقای آنها در محیط کار جلوگیری شود؛
 ۳. تبعیض نهادی^۳: وقتی تصورات قالبی در ساختارهای اجتماعی، آموزشی یا حقوقی نهادینه شوند، به تبعیض سیستماتیک منجر می‌شوند. برای مثال، سیاست‌های استخدامی که براساس کلیشه‌های نژادی یا جنسیتی طراحی شده‌اند؛
 ۴. کاهش فرصت‌های برابر: کلیشه‌ها می‌توانند باعث شوند افراد فرصت‌های شغلی، تحصیلی یا اجتماعی برابر نداشته باشند، چون دیگران آنها را براساس پیش‌فرض‌ها قضاوت می‌کنند.

ویژگی‌های تصورات قالبی می‌تواند مانع جدی برای تحرک اجتماعی و برابری فرصت باشد؛
 ۱. ساده‌سازی واقعیت: این تصورات پیچیدگی‌های رفتاری و فرهنگی افراد را نادیده می‌گیرند و تصویری ساده و اغلب نادرست ارائه می‌دهند؛
 ۲. مقاومت در برابر تغییر: حتی با وجود شواهد متناقض، تصورات قالبی معمولاً پایدار می‌مانند و به‌سختی تغییر می‌کنند؛
 ۳. ریشه در فرهنگ و اجتماع: بسیاری از کلیشه‌ها از طریق رسانه‌ها، آموزش، خانواده و جامعه منتقل و در ناخودآگاه افراد نهادینه می‌شوند؛
 ۴. تأثیر بر قضاوت و رفتار: تصورات قالبی می‌توانند به پیش‌داوری، تبعیض و رفتارهای ناعادلانه نسبت به افراد یا گروه‌ها منجر شوند و
 ۵. مثبت یا منفی بودن: برخی تصورات قالبی ممکن است ظاهراً مثبت به نظر برسند (مثلاً، آسیایی‌ها باهوش هستند)؛ اما همچنان می‌توانند محدودکننده و آسیب‌زا باشند.

^۱ تصورات قالبی نگرش‌های بیش از حد ساده و مبالغه شده واقعیت هستند. آنها به‌ویژه برای افرادی جذابیت دارند که به قضاوت ارزشی درباره دیگران می‌پردازند و کسانی را که متفاوت با خودشان هستند، زود محکوم می‌کنند.

^۲ Prejudice

^۳ Institutional Discrimination

به عنوان نمونه، اگر قومیت خاص برای مشاغل پست با درآمد کم مناسب تشخیص داده شود، آنان را فاقد صلاحیت مناسب عالی دانسته شود، به عدم تحرک اجتماعی و تبعیض منجر خواهد شد؛ به ویژه زمانی که مقامات دارای قدرت به این گونه تصورات قالبی باور داشته باشند، بستر را برای عدم تحرک اجتماعی و تبعیض فراهم خواهد نمود.



نمودار ۵. فرایند نسبت تصورات قالبی با تبعیض و نابرابری فرصت

جمع بندی

تحرک اجتماعی (جابه جایی افراد در موقعیت های مختلف) در انواع مختلف از شاخص های مهم حق بر عدالت و برابری فرصت در یک جامعه است. دسترسی به فرصت ها در جامعه ای برخوردار از تحرک اجتماعی از طریق رقابت و شایستگی است نه موروثی و به هر میزان که دسترسی به فرصت ها از طریق والدین به فرزندان منتقل شود، در آن جامعه تبعیض حضور دارد که نقطه مقابل برابری فرصت است. جامعه طبقاتی، چندپارچه، برخوردار از تصورات قالبی، جامعه بسته و امثال آن با تحرک اجتماعی پایین از برابری فرصت کمتر برخوردار است و بیشتر موقعیت های اجتماعی ارثی بوده و با تبعیض روبه روست. این گونه جوامع با تضمین تحرک اجتماعی نقطه عزیمت خود را باید برابری فرصت شکلی قرار داده و به تدریج به برابری فرصت ماهوی دست یابد.

به دیگر سخن، سعی شود که از چرخه منفی تحرک اجتماعی کمتر، نابرابری موروثی بیشتر و برابری فرصت کمتر به چرخه مثبت تحرک اجتماعی بیشتر، نابرابری موروثی کمتر و برابری فرصت بیشتر انتقال یابد. انتقال نیز نیازمند سیاست بلندمدت است که باید در برنامه کلان دولت گنجانده شود. کشور ما نیز نیازمند چنین انتقالی است تا از پیامدهای مثبت آن، یعنی توسعه پایدار، صلح پایدار، انسجام ملی و ... بهره مند شود. با توجه به علائم و نشانه هایی که برای تحرک اجتماعی بیان شد، در افغانستان هنوز برابری فرصت نیازمند انتقال از چرخه منفی



به مثبت است. از این جهت، تحقق این شاخص از برابری فرصت در کشور، نیازمند برنامه-
های کلان است. از سویی با عنایت به مبانی و منابع اسلامی روشن است که از دیدگاه اسلام
که از اصول اساسی و محوری آن عدالت اجتماعی است، انتقال از چرخه منفی به مثبت
می تواند توصیه مهم اسلامی باشد.



منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۵۹) مقدمه ابن خلدون، (ترجمه محمد پروین گنابادی)، جلد دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. تنکابنی، حمید، موانع تحرك اجتماعى و تأثيرات آن در تحرك شغلى کارکنان سازمانهای دولتی و پیامدهای آن، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم، ۱۳۹۲.
۳. صداقت، قاسم علی، (۱۴۰۱) حقوق بین‌المللی، کابل، دانشگاه خاتم النبیین (ص).
۴. کاظمی پور، شهلا، الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحرك اجتماعى، نامه علوم اجتماعى، شماره ۱۴، ۱۳۸۷.
۵. کوئن، بروس، (۱۳۷۰) درآمدی به جامعه‌شناسی (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
۶. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی، (ترجمه منوچهر صبوری)، چاپ ۲۲، تهران، نشر نی.
7. Esme Lillywhite (2022). briefing document has been prepared to inform discussions at the Cumberland Lodge Shaping Social Mobility: Education and Employment conference on 7-8 March. cumberlandlodge.ac.uk.
8. MANDAR GOVINDRAO LATPATE (2023). Formal and Substantive Equality. International Journal of Law Management & Humanities, 6(5), .
9. OECD (November 2022). CURRENT CHALLENGES TO SOCIAL MOBILITY AND EQUALITY OF OPPORTUNITY. POLICY PAPER, Papers on Well-being and Inequalities.
10. The World Bank (). Afghanistan Spatial Disparities Assessment, Identifying drivers of differential development.
11. Vaezi, Hamzeh (2002). Afghanistan and incomplete structures of national identity. Tehran: Erfan Publications [In Persian].
12. World Economic Forum (2020). The Global Social Mobility Report 2020.
13. World Economic Forum (2020). The Global Social Mobility Report 2020, Equality, Opportunity and a New Economic Imperative, Report, Geneva, Switzerland.

